فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی- پژوهشی
سال دهم- شماره یکم- بهار ۱۳۹۶- شماره پیاپی۳۵

بررسی ویژگیهای سبکی نسخه خطی دیوان عابد (ص ۵۶-۳۷)

سکینه پیرک[۱](نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵
تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار۱۳۹۶

چکیده

نسخهٔ خطی «دیوان عابد» از زین العابدین علی بن فضل الله عابد حسینی، مشهور به زین‌العباد بیرمی از زمرهٔ شاعران ناشناختهٔ دورهٔ تیموری در قرن نهم هجری است که علاوه بر علّو مقام دینی، از بزرگان اهل معنا و عرصهٔ عرفان به شمار میرود. دیوان عابد گذشته ازاهمّیت بالقوهٔ خود به عنوان نسخه‌ای خطی، به جهت آن که تنها نسخه‌ای منحصربه فرد، ازآن در دست است که نویسندهٔ آن کتاب خود را برای رفع دشواریهای فهم علوم متداول زمان خود ترتیب داده است، شایان ارزشی ویژه و مضاعف میباشد. لذا مقالهٔ حاضر به بررسی ویژگیهای سبکی دیوان عابد، با هدف شناساندن این اثر ارزشمند، که به صورت نسخه خطی به شمارهٔ۱۱۳۸۹ در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی در قم نگهداری میشود، میپردازد.

کلمات کلیدی: نسخهٔ خطی، دیوان عابد، زین العباد بیرمی، سبک شناسی

[۱] - استادیار دانشگاه پیام نور pirak2009_s@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

به دلیل اشـتهار کم آثار ادبی زین العباد، اطلاع چندانی از وقایع زندگی او در دسـت نیسـت و مورّخان و تذکره نویسان هم اگر چیزی دربارهٔ او نو شته اند، بسیار مختصر و کلی ا ست. بعد از بررسـیهای فراوان تنها منابعی که توانسـتیم اطلاعاتی هر چند بسـیار اندک دربارهٔ این عارف پیدا کنیم، ریاض العارفین رضا قلی خان هدایت، فارسنامهٔ ناصری اثر حاج میرزا حسن حسینی فسائی و تذکرهٔ شاه زندو ا ست که اخیراً به کو شش ح سین خادم تصحیح و به چاپ ر سیده ا ست. زین العابدین علی بن فضل الله عابد ح سینی، م شهور به « زین‌العباد ح سینی بیرمی» و« شاه زندو»، متخلص به «عابد» و گاهی «عباد»، شاعری است توانا، عارفی شیدا و قلندری بی پروا، محبّ صادق آل عبا و منتسب به خاندان علی مرتضی.» شاعر در ذکر نام خود میگوید:

چون عـــلی عابـــدیـــن از گـــردنت　　بـــابن فـــضـل الله عشـــق انداختیم
(ب۷۶۲)

او یکی از شاعران و عارفان خوش ذوق وتوانای قرن ۹ و از زمرهٔ شاعران ناشناختهٔ ایرانی در عهد تیموری محسوب میشود. زین العباد از خاندان سادات زندویه بیرم واز نواده های حضرت«سیّدعفیف الدین زندویه» میبا شد. او عارفی شیعه مذهب ا ست که در اعتقادات خود بسیار را سخ و متعصب میباشـد و این امر از محتویات اشـعارش کاملاً پیداسـت. تاریخ تولّد«زین العباد» به طور دقیق معلوم‌نسیت ولی محل تولد و موطن او شهر بیرم در لارستان قدیم است. با استناد به بیت زیر که در نسخهٔ روح الله آمده چنین به نظر میر سد که زین العباد مدتی هم در شهر فال، از نواحی اطراف بیرم، زندگی کرده است:

در فـال خـــراب چـــنـد پـــایـــی　　بـــالاتـــر عـــرش ســـاز پـــرواز
(ب۴۶۱)

در فـال خـــراب چـــنـد پـــایـــی　　بـــالاتـــر عـــرش ســـاز پـــرواز
(ب۴۶۱)

ح سین خادم در تذکرهٔ شاه زندو دربارهٔ این شاعر عارف مینویسد: «گفته شده که محل عبادت، گوشه نشینی و چله نشـینـی این عارف نامی، در کوهـهای شمالی بـیرم بود که این ناحـیه به شاه زین العباد (شـاه زینل‌آباد) مشـهور اسـت. او روایت میکند که شـیخ صـاحب کرامات هم بوده است.(تذکرهٔ شاه زندو، موسوی بیرمی:ص ۱۷) دربارهٔ تاریخ وفات زین العباد نیز در تذکرهٔ شاه زندو

Archive of SID

www.SID.ir

چنین آمده است که: «وسید علی بن فضل الله در جزیرهٔ برخت مدفون است درده کرمو. وفاتش در سنه اثنین و عشرین و ثمانه مائه و کان مسموماً قدس سره العزیز.»(همان:ص ۱۶۱)بنا به گفتهٔ بومیان منطقه، زین‌العباد بیرمی در سفر حجّی که سال ۸۲۲ هجری به سرزمین حجاز میکرده در جزیرهٔ بِرَخت(قشم) به وسیلهٔ دشمنانش مسموم شده و در ده کرمو به خاک سپرده شده است. زیارتگاه شیخ زین العباد در فاصلهٔ ۵۵ کیلومتری از شهر قشم قراردارد که سخت مورد علاقه و اعتقاد مردم آن منطقه و روستاهای دیگر جزیره است و مردم در روزهای مذهبی(عزا و شادی) و به هنگام بیماری کسان و فرزندانشان به عنوان نذر و نیاز به زیارت شیخ زین العباد می آیند و نذری میدهند.

آثار مؤلف

- **روح‌الله:** نسخهٔ خطی منحصر به فرد روح الله که به شمارهٔ ۳۲۶۵ در کتابخانهٔ مرکزی تبریز نگهداری میشود و به عنوان رسالهٔ دکتری توسط نگارندهٔ مقاله تصحیح شده، منظومه‌ای میباشد عرفانی، اخلاقی و تعلیمی که در یک مقدمه، چهار باب و هر باب در دوازده فصل تنظیم شده است. شاعر اثر خود را در قالب مثنوی سروده که شامل فصول متعدد درباب توضیح و تفسیرآیات و احادیث، اصطلاحات ویژهٔ دینی، عرفانی، اخلاقی، دشواریهای حکمی، کلامی، فلسفی و نجوم میباشد و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار خوانندگان قرار میدهد.

- **دیوان عابد:** بر اساس بررسیهای انجام شده نسخه ای میباشد منحصر به فرد که به شمارهٔ ۱۱۳۸۹در کتابخانهٔآیت الله مرعشی نجفی درقم نگهداری میشود. دیوان عابد منظومه ای است عرفانی که به زبان فارسی و ترکی نوشته شده است. نسخه به خط نستعلیق متمایل به نسخ نوشته شده، نوع کاغذ آن فرنگی میباشد و هر صفحه بالغ بر ۲۳ سطر است. کتاب دارای رکابه میباشد و کلمهٔ آغازین صفحهٔ چپ، ذیل چپ صفحهٔ راست نوشته شده است. نسخه هیچ نوع آرایشی ندارد به جزء اینکه روؤس مطالب مشکی و درشتر از متن نوشته شده است. این منظومه ازآغاز و انجام افتادگیهایی دارد؛ برگها پراکنده شده واغلاط بسیاری در این اثر موجود است که احتمالاً ناشی از کاتب میباشد. دیوان عابد با بیت ذیل شروع میشود:

مونس حضرت ولی لایق قربت ولی دور فتادی از حرم گر چه ره صفا توئی

Archive of SID

www.SID.ir

وپایان دیوان هم دوبیتی میباشد که شاعر آن را«شروه» مینامد:

الا ای گـــــردش گـــــردون گـــــردان　　بـــــسی بازیچـــــه ات داده بـــــه مردان
ســـــلاطینـــــان دی از پـــــا فـــــکندی　　کجـــــا گیـــــری تو دســـــت دردمندان

نویسندهٔ مقاله، نسخه مذکور را تصحیح نموده است.

– **غزوه نامهٔ شاه زندو**: «موضوع آن شرح لشگرکشیهای نیروهای مسلمان به نواحی جنوبی فارس به فرماندهی»سیّد عفیف الدّین» معروف به« شاه زندو» میباشد. زین العباد در سرودن این غزوه نامه از تذکرهٔ شاه زندو استفاده کرده است. خادم، مصحح تذکرهٔ شاه زندو، در معرفی این تذکره مینویسد: «نسخهٔ اصلی تذکرهٔ شاه زندو درسدهٔ پنجم به زبان عربی به رشتهٔ تحریر درآمده است. نوشته های تذکره، شرح لشگرکشیهای نیروهای مسلمان به نواحی جنوبی فارس به فرماندهی«حضرت سیّد عفیف الدّین»از نوادههای حضرت موسی کاظم معروف به«شاه زندو» است که نیمهٔ دوّم سدهٔ چهارم و سالهای آغازین سدهٔ پنجم را دربرمیگیرد. درقرن نهم زین العباد بیرمی این تذکره را به زبان فارسی به رشتهٔ نظم درمی‌آورد و آن را «غزوه نامه شاه زندو» مینامد.(تذکرهٔ شاه زندو، موسوی بیرمی: ص۱۷) براساس بررسیهای انجام شده، متأسفانه از غزوه نامه زین العباد و تذکرهٔ قرن پنجم که به زبان عربی نوشته شده بوده، هیچ نشانه ای به دست نیامد.

شعر زین العباد و مضامین متعدد دیوان عابد

شناخت شعر زین العباد بیرمی بدون داشتن دور نمایی از ادبیات عهد تیموری دشوار است. از یک نظرگاه، شعر این دوره را به دلیل اینکه «اسلوب قدیم یکسره جای نپرداخته و سبک تازه(هندی) رخت نینداخته» (شعر فارسی در عهد شاهرخ، یار شاطر: مقدمه) میتوان به دورهٔ «گذار» یا «انتقال» تعبیر کرد. صفا این دوره را مقدمهٔ آغازعهدی کاملاً نو (سبک هندی) تلقی کرده است. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج۴: ص۱۲۴) با اینکه یار شاطر این دوره را آغاز انحطاط شعر فارسی دانسته، ولی معتقد است که: «همانگونه که پیشرفت و اعتلای شعر، شایستهٔ بحث و تحقیق است، رکود و تنزّل آن نیز درخور التفات و پژوهش است، خاصه آغاز پیشرفت یا انحطاط.» (شعر فارسی در عهد شاهرخ، یار شاطر: مقدمه) شعر عهدتیموری به دلیل قرارگرفتن درآغاز یک تحول بی سابقه درحوزهٔ

Archive of SID

www.SID.ir

زبان و فکر و همچنین ظهور کیفیات تازه از اهمّیت فوق العاده ای برخوردارا ست. باتوجّه به کثرت شاعران و گستردگی موضوعات شعراین دوره، مضامین متعددی درشعرهای این عهد یافت میشود؛ ازجملهٔ این مضامین منقبت پیامبر، امامان معصوم، وحدت وجود، بیان اندیشه های دینی، عرفان، پند و اندز، بی‌اعتباری دنیا ودم غنیمت شمردن و تفاخرا ست که به نظرمیر سد دربیشتر دواوین شاعران این‌دوره به طور مشترک یافت میشود ازجمله در «دیوان عابد» که در ذیل به نمونه هایی از این موارد اشاره میکنیم:

الف- منقبت پیامبر، امامان و بزرگان دینی

درقرن نهم، عواملی همچون توجه بیش‌ازحد تیمور به تجدید مسائل مذهبی و آزاد گذاشتن مسلمانان، ضعف روز افزون اهل تسنن و گسترش فرقه های متصوف شیعی، زمینه را برای رشد تشیع فراهم کرد و پیامدآن، سرودن شعر برای ائمه، رواج روزافزونی گرفت و منقبت اهل بیت رایجترین و متداولترین مضمون شعر قرن نهم شد ودر این عهد کمتر شاعری است که صفحاتی از دیوان او به این مضمون اختصاص نیافته با شد. از میان بیتهای فراوانی که زین العباد در منقبت پیامبر و امامان معصوم سروده، در قطعه مستزادی در نعت حضرت محمد (ص)میگوید:

تا از ید بیضا بنمودی سر انگشت — همه جامه بدرّید
تر سا ز چلیپا و ز زنار برآمد — در دین امان شد
(ب۲۸۰)

و در ستایش حضرت علی (ع) چنین میسرایدکه:

باز آمده ام که عشق شاه آموزم — شب را طلب روی چو ماه آموزم
از فرّ علی مرتضی فخر جهان — هر کور و کری دلیل راه آموزم
(ب۲۹-۳۲۸)

ب- بیان اندیشه های دینی:

تأویل عرفانی آیات قرآنی واحادیث نبوی، کاربرد زیاد تلمیح، درج و اقتباس دردیوان شاعر، بیانگر تعمّق بسیار گویندهٔ آن در مباحث دینی، قرآنی، احادیث و اخبار، تاریخ اسلام و قصص انبیاء است به گونه ای که میتوان ادعا نمود او از علمای بزرگ علوم دینی عصر خویش بوده است:

Archive of SID

www.SID.ir

تـــاج رسول عـــالمی عـــین قبول آدمی　　حامـــل سرّ کبریـــا باز نگر چه میکشی
آنچه نتابد آســمان وآنچه نیابد این و آن　　بار امان به گردنت بند کمر چه میکشـــی
(ب۶۰-۵۹)

ج- عرفان

«درقرن نهم، نخست به دلیل گرایشهای مذهبی شاعران و سلاطین و سپس به دلیل رواج روز افزون تصوّف، مقولهٔ «عرفان» در شعر، نمود چشمگیری دارد و نکتهٔ جالب در شعرهای این قرن، آن است که عرفان آن منطقیتر، معتدلترو تجربیتر از دوره های گذشته بوده و به مقدار زیادی با زندگی روزمره، همسانی و نزدیکی پیدا میکند. از میان مقوله های متعدد عرفان، آنچه بیش از همه در شعر این قرن بدان پرداخته شده است، «عشق عرفانی و حقیقی» است و طبیعی مینماید که معشوق این عشق «ذات مقدس خداوند» است.»(مضامین رایج در شعر برخی از شاعران قرن نهم، واردی: ص۹۸) در شعرهای عرفانی قرن نهم واژه‌هایی همچون دیرمغان، رند، مست، مغبچه، میخانه، درد، خراباتی و همانند اینها به چشم میخورد که در واقع این امر بازماندهٔ سنن ادبی دوره های گذشته است. (همان: ص۹۹)و اینک نمونه هایی از اشعار عرفانی زین العباد در دیوان عابد:

هـــر کـه را شـوق این شـراب آمـد　　در خرابـات مـــا خراب آ مـــد
طـــیلسـان و سجاده کـــرد گـــرو　　بـا مـی و مـطـرب و ربـاب آمـد
درمســجـد بـه روی خویش ببسـت　　چـون ز مـیـخـانـه فـتـح بـاب آمـد
آنـــچه مـــیـــجستم از دری دیـــگـــر　　در درون خـــودش جـــواب آمـــد
رب ارنـــی ز طـــور مـــیـــطـــلـــبـــی　　اینـکـت لـن تـران خـطـاب آمـــد
(ب۳۳-۶۲۹)

د- وحدت وجود

«نظریهٔ وحدت وجود یکی از پیچیدگیهای اندیشهٔ بشری است. تقریر عرفانی این نظریه بر این اصل استوار است که جز یک موجود حقیقی، که همان خداست، موجود دیگری در سرای هستی یافت نمیشود و هر چیز دیگری تجلی و ظهور اوست.»(وحدت وجود به روایت ابن عربی و اکهارت، کاکایی) اصول عرفانی که در شعر و ادبیات این دوره نفوذ کلی یافته و به صورت مختلف بیان شده و میدانی برای طبع آزمایی شعرای صوفی مشرب فراهم ساخته، عقیدهٔ وحدت وجود و اتحاد خالق و مخلوق و عارف و معروف و تجلّی وحدت در کثرت و توحید ذات و اسماء و افعال است. برخی از عرفایی که مسلک عاشقانه دارند به ویژه پیروان مکتب وحدت وجود، معتقد به اتحاد بین عشق و

Archive of SID

www.SID.ir

عاشق و معشوق هستند. با مطالعهٔ دیوان عابد هم میتوان ردپایی از نظریات و افکار ابن عربی- به ویژه مبحث وحدت وجود- را مشاهده نمود. او میگوید اگر چه عاشق و معشوق دو موجود جدای از هم به نظر میرسند، در واقع یکی بیش نیستند و یک ذاتند:

عاشق و معشوق و عشق آمد یکی　　گر بر افتد از میان رسم شمار
(ب۶۱۵)

و یا:

در صفات جمال خویش نگر　　ای که ذات خدا همیخواهی
اندراین راه خود رفیق خودی　　گرتو با خویش سازی همراهی
صورت خود به دست خود بنگار　　که سرا پای نقش اللهی
(ب۵۴-۶۵۳)

هـ- اخلاق و پند و اندرز

یکی از مهمترین و شایعترین مضامین شعر فارسی در همهٔ ادوار، پند و اندرز و نکات عبرت انگیز است. نفوذ آموزه های دینی و شیوع عرفان و انتشار بساط فقر و تصوّف نیز بر رواج اینگونه معانی و کثرت آثاری که شامل دستورهای اخلاقی و نصایح معنوی باشد، کمک کرده است. دردیوان عابد نیز یکی به دلیل گرایشهای مذهبی شاعرو دیگربه سبب ورود بیش ازپیش اصطلاحات عرفانی درشعر، نکات اخلاقی و پند واندرز، گسترش و تنوع قابل ملاحظه ای دارد و مضمون اشعار او بیشتر لزوم ترک نفس و دعوت به عشق و انقطاع از لذات دنیوی و وجوب تزکیهٔ خاطر و غلبه بر وساوس است.

گر تو خواهی ای پسر اسرار عشق　　فارغ آی از کار الاّ کار عشق
شیر مردی پیشه کن در راه دوست　　مرد شو در پنجهٔ خونخوار عشق
کافری کن کافری کن کافری　　ای مسلمان تا رسی اخبار عشق
زلف خود را پر گره کن پیچ پیچ　　بر میان در بند خوش زنار عشق
عابدا گویم تو را اسرار عشق　　نیست شو ازخودکه هستی یارعشق
(ب۱۱-۵۰۷)

و- بی اعتباری دنیا

بی اعتبار بودن دنیا و اعتماد نداشتن به آن یکی از مضامینی است که از دیر باز در شعر فارسی وجود داشته است. این مضمون به خصوص پس از ورود اندیشه های عرفان اسلامی و توجه به جهان آخرت و ذات خداوند، که مقصد و معبود نهایی است، قوّت گرفت و میتوان گفت هیچ دیوانی از

Archive of SID

www.SID.ir

شاعران قرن پنج تا قرن نهم را نمیتوان یافت که چند بیتی راجع به این مضمون در آن گنجانده نشده باشد. توجه نکردن به دنیا به ویژه در شعر قرن نهم، که جوامع پیوسته دستخوش تغییر حکومتها بوده و شاعران از گرایشهای مذهبی تندی بهره مند اند، گسترش خاصی می‌یابد و در بیشتر دیوانها، بیتهایی مشاهده میشود که انسان را از توجّه، تکیه و دل نهادن براین جهان برحذردا شته و بدیها و آفتهای این توجّه را در بیانهای گوناگون به انسان گوشزد میکند. در ذیل نمونه ای از دیوان عابد را که در این مضمون سروده شده است، نقل میکنیم:

الا ای نفس ناهموار طبعی — هوسناکی و رعنایی چرایی
ازاین دنیا که سودا و غروراست — فکن برآخرت رخت و سوایی
چه سازی زانکه رفتن ناگزیراست — بلا بد خود فقیر و خود غنایی
اجل اندر کمین شمشیر بسته — گشاده دم زهم چون اژده هایی
تو یی غافل به غفلت چشم درخواب — کنی هرگوشه برخود ماجرایی
(ب۹۰-۸۶)

ز- دم را غنیمت شمردن

دم غنیمت شمردن ازجمله مضامینی میباشد که از روزگاران پیدایش شعر فارسی از آن سخن رفته است و از

اوّلین مراحل شکل گیری شعر فارسی شاهد این دیدگاه هستیم که:

شاد زی با سیه چشمان شاد — که جهان نیست جز فسانه و باد
(رودکی، ص: ۱۸)

به نظر میرسد که اینگونه شاعران تمایل دارند که گذار و ناپایداری جهان را با بهره مندی از زیباییها و شادیهای آن جبران کنند و برجسته ترین نظریه پرداز این طرز تفکر، خیام است. صادق هدایت در مقدمهٔ کتاب «ترانه های خیام» به بحث و اظهار نظر در مورد فلسفهٔ دم غنیمت شمردن میپردازد و منشأ این تفکر را بیش از همه بدبینی نسبت به جهان هستی میداند.(ترانه های خیام، هدایت: ص۳۴) این مضمون در دوره های بعد نیز در شعر فارسی حضور دارد تا این که به قرن نهم میرسیم. در شعرقرن نهم، گاهی اغتنام فرصت، جنبهٔ مادی و پرداختن به عیش و نوش دارد و در پاره ای اوقات شاعر اغتنام فرصت را با اهداف دنیایی ومعنوی همراه میکند و معتقد است که باید از

Archive of SID

www.SID.ir

لحظه ها برای پرداختن به عبادت و رسیدن به کمال عرفانی استفاده کرد. واینک نمونه هایی با این مضمون از دیوان عابد:

نداری هیچ مهلت خیز و بشتاب شد و آمد عبث میدان هبایی
جز این دم نیست جانا نقد ایّام ازآن دم ساز جان و دل صفایی
(ب۹۱-۹۲)

ح- تفاخر

«مفاخره اشعاری را گویند که شاعر در مراتب فضل و کمال و سخندانی و تخلق به اخلاق حمیده و ملکات فاضله از حیث علو طبع و عزت نفس و شجاعت و سخاوت و امثال آن و احیاناً افتخارات قومی و خانوادگی و در شرف نسب و کمال حسب خویش سروده است.»(شعر و ادب فارسی، مؤتمن: ص۲۵۸) نیز گفته اند که «مفاخرهٔ شعری از فطریترین احساسهای شاعر، یعنی حس صیانت ذات برمیخیزد و اغلب نشانی از گفتگوهای خلوت و حدیث نفس شاعر دارد و به مصداق «المرءُ مفتونُ شعره و ابنه»، شاعر شیفتگی و فریفتگی خود را به کلام خویش اظهار میدارد.»(نقشبند سخن، تجلیل: ص۱۵۱) با اینکه مفاخره امری است که قبل از عهد تیموری هم رایج بوده ولی دراین دوره به افراط به کار میرود و شعرای این دوره به شعر خود بسیار نازیده اند و با اینکه شعر بسیاری از ایشان چندان مرغوب نیست، ولی فریفتهٔ شعر خود بوده‌اند و اثراین خود شیفتگی به صورت مفاخره و مباهات در اشعار ایشان ظاهر میگردد.در ذیل چند بیتی را از دیوان عابد نقل میکنیم:

ما منورتر از خور و ماهیم نور سبحان و سرّ اللهیم
بوم وارم مبین به خانهٔ جسم زانکه شهباز چنگل شاهیم
گرد من این گروه چون صدفند لیک ما لؤلؤئیم و لالائیم
(ب ۲۴-۴۲۲)

آشنایی با زبانهای گوناگون

یکی‌دیگراز تواناییهای بارز این‌شاعر، آشنایی او با زبانهای فارسی، عربی، ترکی و هندی و... میباشد. بیتهای ملمعی که در دیوان عابد آمده، میتواند صحت این ادعا را به اثبات برساند. چنان‌که در تذکرهٔ شاه زندو نقل شده است که: «سیّدالمظلوم‌الفضائل و العلوم صاحب التصانیف لغات العربی‌و العجمی‌والهندی‌والسریانی‌و الترکی‌و الصینی و الرومی و الزنگی و العبری و قد صنف رحمه الله سبعه کتاب بلفظ العربی و العجمی که مشهور است میانهٔ مردم.»(تذکرهٔ شاه زندو، موسوی بیرمی:

Archive of SID

www.SID.ir

ص۱۶۰)در ذیل از دیوان عابد سه بیت از ملمعی که به زبان عربی، ترکی و فارسی سروده شده، نقل میکنیم:

قال ربی نسخۀ اکبرمنم انت منی گوهر حیدر منم
هی جَنمسَن یا قَنمسَن یا بَنَم لحم لحمی آل پیغمبر منم
سَن بلوسَن نوجوانم شاعرم عاشق مه روی لب شکر منم
(ب ۵۷-۴۵۵)

اشکالات دستوری و ابداع و کاربرد ترکیباتی خاص

هر چه از قرن هشتم جلوتر می آییم زبان از اصالت و سلامت دور میشود، تا جایی که در سبک هندی زبان بیمارگونه مینماید. در قرن نهم نخستین قدمهای دور شدن از زبان معیار پیداست. در دیوان عابد این گریز از هنجار زبان را زیاد میتوان دید. ابداع وکاربرد برخی کلمات بر خلاف هنجار زبان و بی توجهی به نحو زبان، که در اغلب اوقات شاعر در تنگای قافیه به چنین نا هنجاریهایی تن در داده است؛ لطمۀ سنگینی به شعر او وارد کرده است. مثلاً به کار بردن ترکیبات ناآشنای «قالقان و افراس» در ابیات زیر:

قال ربی بشنو ای عابد یقین تا چه خواند آن خروس قالقان
(ب۴۵۶)
نه ز هندم نه ز چینم نه ز بلغار زمینم نه ز افراس و عراقم نه ز ظاهر نه نهانم
(ب ۷۴۵)

ویژگیهای سبکی دیوان عابد

تردیدی نیست که تصحیح هراثرخطی میتواند در شفاف سازی گوشه های مبهم تحقیقات در زمینه تحولات سبکی مفید باشد؛ به این معنی که با افزون شدن نمونه های مورد بررسی در هر دوره، تعیین حدود تغییرات سبکی قطعاً از دقت بیشتری برخوردار خواهد گشت؛ چنانکه با مطالعه و تصحیح دیوان عابد و مقایسه آن با متون قرون پیشین، میتوان تا حدی به میزان و کیفیت تغییرات سبکی در ابعاد مختلف صرفی و نحوی پی برد و دریافت زبان فارسی پس ازحملۀ مغول و تیموریان و تأثیر همه جانبۀ آن برفرهنگ، ادب و علوم ایران چه تغییراتی را پشت سرگذاشته و تا چه میزان توانسته است پیوستگی و ارتباط خود را با زبان پیش از خود حفظ کند و یا ازآن تأثیر

Archive of SID

www.SID.ir

پذیرد و یا آهنگ تغییر آن را سرعت بخشد. لذا بدین منظور دیوان عابد ازسه سطح زبانی، نحوی و ادبی مورد بررسی قرار میگیرد.

- **سطح زبانی**

۱. سطح آوایی

۱،۱. وزن یا موسیقی بیرونی

«وزن نوعی تناسب است و تناسب کیفیّتی است که حاصل آن دریافت وحدت است بین اجزای متعدد که اگر در مکان واقع شود به آن قرینه و اگر در زمان واقع شود، وزن نامیده میشود.» (وزن شعر فارسی، خانلری، ص۲۴) در موسیقی بیرونی تعداد حروف متحرک یا ساکن، تنوع یا یکنواختی بحور عروضی، هماهنگی یا ناهماهنگی وزن شعر با زمینه‌های درونی و عاطفی شعر از مسائل بسیار مهم است به طوری که در وزن شعر علاوه بر کلیّت وزن عروضی شعر« هرچه تعداد حرکات نسبت به سکنات بیشتر باشد در تندی و پویایی وزن آن دخالت بیشتری دارد و وزن را زیباتر میکند و برعکس هر چه تعداد سکنات و مصوّتهای بلند در بیت بیشتر باشد، از میزان تحرّک و پویایی وزن کاسته میشود و از تأثیر موسیقیایی برخواننده میکاهد؛ زیرا وزن را به نرمی و لطافت نزدیک میسازد.»(ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی: ص۹۵) مطلب قابل توجه دیگر در این حیطه، تناسب و مطابقت وزن عروضی شعر با روحیّات شاعر است؛ به این معنی که شاعری که سرحال و با نشاط است به اوزانی علاقه‌مند است که مقصود را بهتر برآورده میسازد و آنکه غمگین است و مرثیه میسراید، وزنی را برمیگزیند که از تلاطم و ترقّص خاص عالم نشاط، نشانی نداشته باشد. از این رو تطبیق وزن شعر با احساس شاعر، یکی از مسائل بسیار مهم در نقد شعر است. زین العباد منظومهٔ خود را در بحور رمل، رجز، مضارع، هزج، مجتث، خفیف و متقارب سروده است که در این بین به بحرهای رمل، مضارع و هزج علاقهٔ خاصی نشان داده است.

در دسته بندی اوزان شعر زین‌العباد از حیث درشتی و نرمی لحنشان، میتوان گفت آنجا که شعری را به وزن رمل و خفیف سروده است، میتوان نرمی و لطافت لحن اوزان را از صفات بارز آن شعر دانست و زمانی که شعر را به بحر مجتث یا مضارع سروده، خشونت و تحرک در لحن آن شعر، ویژگی مشخص آن شعر میبا شد؛ در بررسی شعری که شاعر آن را در بحر هزج سروده، میتوان پویایی و تحرّک و بانشاط بودن لحن اوزان این بحر را به دلیل داشتن مصوتهای بلند و متحرکات

Archive of SID

www.SID.ir

فراوان از ویژگیهای برجستهٔ آن شعر دانست و زمانی که وی شعر را به بحر متقارب میسراید به دلیل لحن ابهت حماسه وار رکن فعولن ، لحن آن شعر مثل حماسه تند شده است و آنجا که شعری را به بحر رجز سروده، لحن آن شعر، لحنی پریشان بوده است. چرا که حرکات این بحر تند است و اضطراب و سرعت جزء ویژگی ارکان این بحر به حساب می آید. نکتهٔ دیگری که در باب موسیقی بیرونی شعر زین العباد وجود دارد این است که شاعر از اوزان مثمن بیشتر از اوزان مسدس استفاده کرده است و این خود نشانگر عظمت موسیقایی اشعار شاعر از این حیث است چرا که قطعاً موسیقی بیرونی اوزانی که مثمن آمده اند، غنیتر از اوزان مسدس است.

۱،۲. موسیقی کناری

«منظور از موسیقی کناری، عواملی است که در نظام موسیقیایی شعر دارای تأثیر است ولی ظهور آن درسراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده نیست. برعکس موسیقی بیرونی، که تجلّی آن در سراسر بیت و مصراع یکسان است و به طور مساوی در همه جا به یک اندازه حضور دارد. جلوه‌های موسیقی کناری بسیار است و آشکارترین نمونهٔ آن، قافیه و ردیف میباشد.» (موسیقی شعر، شفیعی‌کدکنی: ص۳۹۱)

الف: قافیه: یکی از تمهیداتی که شاعر به کار میبرد تا سخن را از نثر عادی دور کند و درآن به نوعی، تناسب و آهنگ ایجاد کند، قافیه پردازی است. «قافیه عامل غنای موسیقی شعر است و خواننده با شنیدن قافیه لذّت میبرد و قوای سامعه اش تحرّکی را پذیرا میشود و حتّی رسم الخط قافیه هم در تحریک قوّهٔ باصره و بینایی مؤثر می افتد. علاوه برآنها، کسالت و یکنواختی حاصل از موسیقی یکسان در بعضی از انواع شعر از جمله مثنوی- که طولانی هستند- به وسیلهٔ قافیه از بین میرود و به نوعی ذهنیّت خواننده نسبت به یکنواختی موسیقی شعر، عوض میشود.»(فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری: ص۹۰) از نکته های دیگری که در باب قافیهٔ شعر حائز اهمیّت است، تأثیر هجای پایانی قافیه است؛ به ویژه واک پایانی از لحاظ کشش موسیقیایی در آهنگ شعر نقش اساسی دارد. زمانی که آخرین واک قافیه از حروفی مثل «ب، پ، و...»با شد، زود قطع میشود و عطش موسیقیایی خواننده را سیراب نمیکند، امّا مصوّتهای بلند مثل«آ، ای ، او» کشش موسیقیایی بیشتری دارند و از لذّت بیشتری برخوردارند. ازسوی دیگر قافیه‌هایی که به مصوت بلند «ای» ختم میشوند، به دلیل کشش صوتی آن که رو به پایین است، حکایت از لحن تمنایی و مؤدبانهٔ شاعر دارد. در یک بررسی نمونهٔ آماری که بر روی چهارصد بیت از دیوان عابد صورت گرفت از حدود۴۰۰

Archive of SID

www.SID.ir

واژه که قافیهٔ بیت میبا شند۱۰۷ بیت آن یعنی۲۶,۷۵ در صد دارای قافیه ای میبا شند که آخرین واک آن مصوتهای بلند «آ، ای، او» میبا شد. ۱۲۳ واژه یعنی۳۰,۷۵ در صد قافیه فعلی و بقیه قافیه اسمی میباشند. پس میتوان نتیجه گرفت که بیشتر قوافی در دیوان عابد اسمی است و درصد کمی از آنها فعلی میباشد.

ب:ردیف: «تکرار مقوله‌ای میبا شد که در نظام مو سیقیایی عالم وجود دارد و یکی از جلوه های آن در شعر نمود یافته است. تکرار کلمات در پایان مصراعها، جنبهٔ موسیقیایی دارد و نه تنها مکمّل موسیقی قافیه است بلکه با عنایت به اسم، فعل یا حروف بودن آن در تکمیل مفاهیم موجود در بیت مؤثر ا ست.»(فرهنک مو سیقی شعر، ذوالفقاری: ص۱۳۱)علاوه بر تکرار کلمات ردیف، که به نوعی باعث تکمیل مو سیقی قافیه میگردد، نوع کلمهٔ ردیف هم در غنا یا فقر مو سیقی شعر مؤثر واقع میشود. به این معنی که ردیفهای فعلی، مخصو صاً زمانی که از نوع ترکیبات طولانی با شد، باعث تقویت موسیقی کناری میگردد:

شـــیـــدای جـــهـــانســـتـــم نـــدانـــم مـــجـــنـــون فـــلانســـتـــم نـــدانـــم
بـــر هـــرچـــه نـــگـــاه مـــی کـــنـــم مـــن حـــقّـــا کـــه هـــمـــانـــســـتـــم نـــدانـــم
در عـــشـــق خـــدا بـــه خـــود یـــقـــیـــنـــم یـــا خـــود بـــه گـــمـــانستـــم نـــدانـــم
از شـــوق رخ بـــتـــی پـــری روی چـــون دیـــو دوانـــســـتـــم نـــدانـــم
(ب ۱۳-۲۰۱۰)

بنابراین هر قدر بسامد ردیفهای فعلی در شعری بیشتر باشد، توان موسیقیایی شعر هم بالا میرود. با برر سی دیوان عابد میتوان چنین گفت که، بسامد ردیفهای فعلی در این منظومه بیشتر از بقیه است. پس میتوان گفت اشعار زین العباد به دلیل برخورداری از بسامد بالای ردیفهای فعلی جایگاه موســیقیایی والایی دارد. ولی از این حیث که قافیه‌های فعلی آن بســامد پایینی دارند، جایگاه موسیقیایی آن نازلتر است.

۱,۳. موسیقی درونی:

«ازآنجا که مدار مو سیقی(به معنای عام کلمه) بر تنوع و تکرار ا ست هر کدام از جلوه‌های تنوع و تکرار در نظام آواها که از مقولهٔ مو سیقی بیرونی (عرو ضی) و کناری(قافیه) نبا شد، در حوزهٔ مفهومی این نوع موسیقی قرار میگیرد؛ یعنی مجموعهٔ هماهنگیهایی که از رهگذر وحدت یا تشابه و یا تضاد صامتها و مصوتها در کلمات یک شعر پدید می‌آید، جلوه های این نوع مو سیقی ا ست.»

Archive of SID

www.SID.ir

(موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص۳۹۲) به عبارتی انواع جناس، سجع، واج آرایی، ترصیع و موازنه، تکرار، سیاقه الاعداد و... از موسیقی‌درونی بالایی برخورداراست. اینک نمونه هایی از دیوان عابد نقل میشود :

جناس خطی:

یار ما بین تا چه بازی میکند او　　خوش حدیث ترک و تازی میکند او
(ب۳۱۱)

جناس زاید:

آن دم که نه دم بود و نه آدم به جهان هیچ　　این شورش و غوغا
از دمدمه ما بد نفخی دم که دمندی　　تا روح شدستیم
(ب۲۱۵)

جناس اشتقاق:

گر تو معبودی خدایا من عبادم　　وانگردم وانگردم وانگردم
(ب۳۱۲)

جناس شبه اشتقاق:

دین بر من چیست دیّان دیده ام　　سبحه افکندم چو سبحان دیده ام(ب۷۷۷)

جناس مضارع:

رو به کنجی نشین تو مفتی غی　　این بیابان نمیتوانی طی
(ب۷۱۳)

ترصیع:

وایهٔ عالمی شوی مایهٔ آدمی شوی　　سایهٔ خاتمی شوی بیخ و نهال عاشقی(ب۷۵)

تکرار:

ازدهنم جواب خوش بشنو و بر صواب خوش　　ای من و ما به ما و من کز من و ما براستی
(ب۴۵)

سیاقه العداد:

بی‌خمیروملح وآب و آتش و باد وتراب　　در تنور چار پهلو پخته شش نان یافتم
(ب۷۹۵)

Archive of SID

www.SID.ir

واج آرایی:

آندم که نه دم بود و نه آدم به جهان هیچ　　این شورش و غوغا
از دمدم ما بد نفخی دم که دمندی　　تا روح شدستیم
(ب۲۱۶)

۱،۴. موسیقی معنوی

همانگونه که تقارنها و تضادها و تشابه‌ها در حوزهٔ آواهای زبان، موسیقی اصوات را پدید می‌آورد، همین تقارنها و تشابهات و تضادها، در حوزهٔ امور معنایی و ذهنی، موسیقی معنوی را سامان میبخشد. بنابراین همهٔ ارتباطهای پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصرع و از سوی دیگر همهٔ عناصر معنوی یک واحد هنری، اجزای موسیقی معنوی آن اثرند. و اگر بخواهیم از جلوه های شناخته شدهٔ اینگونه موسیقی چیزی را نام ببریم، بخشی از صنایع معنوی بدیع از قبیل تضاد و طباق و ایهام و مراعات النظیر، تلمیح، و... ازمعروفترین نمونه ها ست.»(موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص۳۹۳) ا شعار زین العباد بیرمی گذشته از سایر جنبه‌های موسیقیایی کلام، از نظر موسیقی معنوی نیز تشخّص خاصی دارد از آن جمله اند:

مراعات النظیر:

خاک به آب میشود آب به باد میشود　　باد به نارمیشود جمله یکی عدو کنی
(ب۹)

ایهام‌تناسب:

تا طاق ابرویت بتاشدجفت‌در پیوند هم　　شد طاق از دو جُفْان دلم جفتانه‌ام جفتانه ام
(ب۳۶۲)

تضاد:

هرچه‌کنی به‌خود کنی گرهمه‌خوب و بدکنی　　جفت‌شوی جفاکنی فردشوی احد کنی
(ب۸)

تلمیح:

عابدا عشق علی باید گزید　　این حدیث از فخر دو جهان یافتم
(ب۷۸۲)

- **سطح نحوی یا سبک شناسی اجزای جمله:**

۱. آوردن«ب» تأکید بر سر فعل ماضی:

Archive of SID

www.SID.ir

ما نور نهاریم که با ظلمت لیلیم چون روح به تنها
کی بگسلد از هم سر زلفش چو کمندی بر رخ چو ببستیم
(ب۲۲۸)

۲. فعل امرگاهی همراه «ب»و درمواردی بدون«ب» امر آمده است:

دو سه گامی به راه حق در نه رو بخوان آیت تقرب انی
(ب۷۲۲)

۳. استعمال وجوه کهن مضارع اخباری:

بخت فیروزم همیگوید خبر عابدا این قصه ای دلکش بود
(ب۵۳۷)

۴. آوردن وجوه کهن بعضی از حروف اضافه: مانند «اندر»به جای «در»:

اجل اندر کمین شمشیر بسته گشاده دم زهم چون اژده هایی
(ب۸۹)

۵. جهش یا رقص ضمیر:

درکوه جبروتم پلنگ در بحر ملکوتم نهنگ رعنا نیم برنقش و رنگ من عاشق دیرینه‌ام
(ب۳۸۶)

۶. تخفیف:

گر طرف خدا شوی ور به سوی هوا شوی عابد بینوا خمش هر چه کنی به خود کنی
(ب۱۶)

۷. اسکان:

تو کوه جبْروتیتی من کان لعلم آن درآن تو بحر ملْکوتیتی دردانه ام دردانه ام
(ب۳۷۲)

۸. جمع خلاف قاعده:

گه سنگ شوم در کف اعدا و درآیم اندر دهن دوست
در غارگهی چونک ز ترس شرکا شد دارنده نگاهیم
(ب۱۸۹)

Archive of SID

www.SID.ir

۹. اشباع:

چون‌مصطفی‌برشدزفرش ازخاک تااستون‌عرش من بودم آنجا فوق عرش من عاشق دیرینه ام (ب۳۸۳)

۱۰. استعمال صورت خاص مصدر شنیدن:

ابـرص بـود آن گـوش کـه نـامش نشنفت آن دیـده کـه او نـدیـد اکـمـه بـاشـد (ب۳۴۶)

- **سطح ادبی**

با مطالعهٔ آثار زین العباد میتوان به این نتیجه رسید که زبان شعر او زبانی ساده و به دور از تعقید وپیچیدگی است. هر چند گاهی همچون دیگر شعرا به رعایت اصول قافیه و وزن شعر بی توجه بوده است، امّا این موارد بسیار نادر میباشد. زین العباد، آرایه های ادبی را میشناسد، امّا در حّد اعتدال از آنها بهره میگیرد. هدف او انتقال پیام و مفاهیم است نه فضل فروشی شاعرانه. با این حال به اقتضای ادبی بودن اثر، میتوان برای غالب صنایع ادبی در این منظومه نمونه هایی یافت که ما از ذکر آنها خودداری کرده ایم و تنها از صنایعی نام برده ایم که بسامد بالایی داشته و میتوانند جزء ویژگیهای سبکی شاعر به‌حساب آیند.

- اضافهٔ تشبیهی:

عـقل بـر تـیـر مـلامـت شـد سپـر چون شـنفتیم آه عشـق انـداختیم (ب۷۵۸)

- تشبیه ملفوف:

کفر و اسـلام چیسـت آن رخ و موسـت حج و میخانه کیسـت آن در و کوسـت (ب۶۶۵)

- تشبیه(مشبه حسی، مشبه به عقلی):

تـیـر معنـی هـر طـرف انـداختیم زین میـان یـک ره نشـان انـدوختیم (ب۷۶۷)

- تشبیه(مشبه عقلی و مشبه به عقلی):

قاف قدم به کام تو نیسـت عدم به نام تو قمری عرش عزتی سوت سحر چه میکشی (ب۵۵)

Archive of SID

www.SID.ir

- تشبیه(مشبه ومشبه به حسی):

از صیقل جان آیینهٔ دل به صفا شد رخشنده چو ماهیم (ب۱۷۶)

- اضافهٔ استعاری:

غمزهٔ قاب و قوس من خون جهان بریزد آن خواجهٔ لودنی بیا تیر نی و خدنگ نی (ب۲۲)

- استعاره:

رفتیم چو غواص دراین بحرتفکر بر رحمبل ارادت
تا از صدف این لؤلؤی شهوار برآمد جان بس به بها شد (ب۱۶۳)

- تشخیص:

روی دل ار به ما کنی آینه را صفا کنی از همگان قفا کنی وجد جلال عاشقی (ب۷۰)

- کنایه:

دامن خود بگیر و باده بنوش کانچه بیرون ز تست آن لاتست (ب۶۲۵)

- ضرب المثل:

هرچه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی جفت شوی جفا کنی فرد شوی احد کنی (ب۸)

- متناقض نما(پارادکس):

ناطق بی‌زبان برو عارف جمله‌دان بیا در صفت حمید من اخرس گول و دنگ نی (ب۲۱)

- حرفگرایی:

ای من شده بد نام تو مخمور میم و لام تو می خورده ام از جام تو مستانه ام مستانه ام(ب۳۷۵)

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه گیری

زین العابدین علی بن فضل الله عابد حسینی، مشهور به زین‌العباد بیرمی یکی ازشاعران و عارفان خوش ذوق وتوانای قرن ۹ هجری و از زمرهٔ شاعران ناشناختهٔ ایرانی در عهد تیموری محسوب میشود. زین العباد از خاندان سادات زندویه بیرم واز نواده های حضرت«سیّدعفیف الدین زندویه»میباشد. او عارفی شیعه مذهب است که در اعتقادات خود بسیار راسخ و متعصب میباشد و این امراز محتویات اشعارش کاملاً پیدا است؛ نسخهٔ دیوان عابد که به شمارهٔ۱۱۳۸۹در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی در قم نگهداری میشود، گذشته ازاهمّیت بالقوهٔ خود به عنوان نسخه‌ای خطی، به جهت آن که تنها نسخه‌ای منحصربه فرد ازآن در دست است و به تصریح خود متن، نویسندهٔ آن ازمقام شامخ عرفانی‌و وجاهت علمی برخورداربوده و کتاب خود را برای رفع دشواری های فهم علوم متداول زمان خود ترتیب داده است، شایان ارزشی ویژه و مضاعف میباشد. از لحاظ سبک شناسی آوایی این اثر در بحرهای رمل، رجز، مضارع، هزج، مجتث، خفیف و متقارب سروده است که در این بین، شاعر به بحرهای رمل، مضارع و هزج علاقهٔ خاصی نشان داده است. بیشتر قوافی در اشعار زین‌العباد اسمی و ساده است و درصد کمی از آنها فعلی میباشد؛ در دیوان عابد، بسامد ردیف های فعلی بیشتر از بقیه است. پس میتوان گفت اشعار زین العباد به دلیل برخورداری از بسامد بالای ردیفهای فعلی جایگاه موسیقیایی والایی دارد. ولی از این حیث که قافیه‌های فعلی آن بسامد پایینی دارد، جایگاه موسیقیایی آن نازلتر است. اشعار زین العباد از نظر موسیقی درونی و معنوی هم تشخّص خاصی دارد. کاربرد واژه های مختلف عربی، ترکی نیز در این اثر مشهود است. در سطح ادبی شاعر در حدّ اعتدال از آرایه های ادبی بهره برده است. ابداع و کاربرد ترکیبات خاص، تخفیف، جمع خلاف قاعده و استعمال صورت خاص مصدر شنیدن میتواند از ویژگیهای برجستهٔ سبکی دیوان عابد باشد که به وفور در این اثر و آثار دیگر شاعر دیده میشود.

منابع

۱. ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی، محمد رضا، تهران، انتشارات سخن ،۱۳۸۰.

۲. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله، جلد ۴، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۴.

Archive of SID

www.SID.ir

۳. تذکره حضرت سید عفیف الدین شاه زندیه بیرمی، موسوی بیرمی، سید علی اکبر، تصحیح حسین خادم، اصغر کریمی، سید حسن زندوی، تهران، انتشارات پیروز، ۱۳۹۰.
۴. ترانه های خیام، هدایت، صادق، تهران، انتشارات امیر کبیر،۱۳۴۲.
۵. دیوان رودکی، رودکی سمرقندی، ابو عبد الله جعفر، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۸۲.
۶. ریاض العارفین، هدایت، رضا قلی‌خان، به کوشش مهر علی گرگانی، تهران، انتشارات کتاب فروشی محمودی، بی تا.
۷. شعر فارسی در عهد شاهرخ، یارشاطر، احسان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۸. شعر و ادب فارسی، مؤتمن، زین العابدین، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۴.
۹. فارسنامهٔ ناصری، حسینی فسایی، میرزا حسن، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر،۱۳۷۴.
۱۰. فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری، محسن، قم، نشر نجبا، ۱۳۸۰.
۱۱. نسخهٔ خطی دیوان عابد، حسینی بیرمی، زین العباد، کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی، کد دستیابی کتاب۱۱۳۸۹/۱.
۱۲. نسخهٔ خطی روح الله، حسینی بیرمی، زین العباد، کتابخانهٔ مرکزی تبریز: کد دستیابی کتاب ۳۲۶۵.
۱۳. نقشبند سخن، تجلیل، جلیل، تهران، انتشارات اشراقیه، ۱۳۶۸.
۱۴. مضامین رایج در شعر برخی از شاعران قرن نهم، واردی، زرین تاج، مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی، ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی، شمارهٔ ۴۲، ص۱۱۲-۹۴، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶.
۱۵. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۸.
۱۶. وحدت وجود به روایت ابن عربی و اکهارت، کاکایی، قاسم، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۱.
۱۷. وزن شعر فارسی، ناتل خانلری، پرویز، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۷.

Archive of SID

www.SID.ir